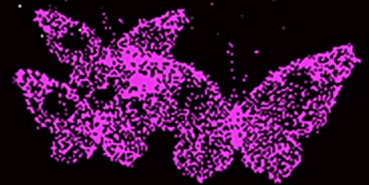


THE MONSTER DUCHESS AND CONTRACT PRINCESS

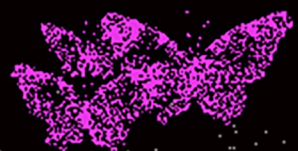
TR = lan neji



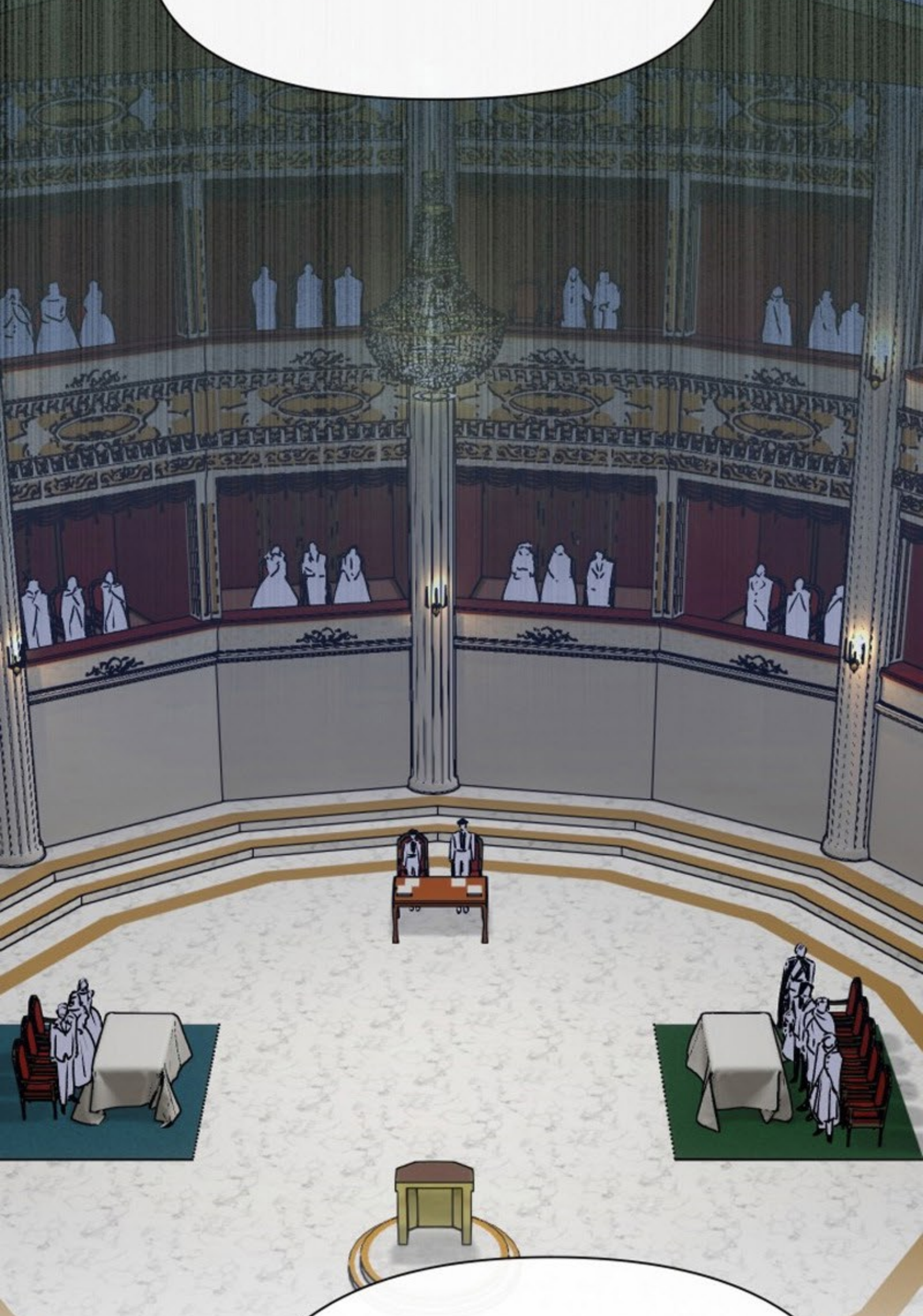
CL = lan neji



TY = lan neji



هردوی شما قسم خوردین که
فقط حقیقتو بگین.



حالا اولین دادگاه اشراف تحت
حکومت امپراطور فیستر گیلز
روکاردیوس شروع میشه.

괴물공작가의 계약공녀

Author: Minjack Artist: Rialan

The Monster Duke and Contract Princess

چون مارکیز اسپرادو
درخواست برگزاری این
دادگاه و کرده اول شروع
میکنه.





یکم پیش، دوشز
سالواتور دختر عزیزم و
دزدید.

QUIET...

یه آتش سوزی کوچکی اتفاق افتاد
که هممون و غافلگیر کرد و
زندگی دخترمم به خطر انداخت.



دوشز سالواتور زندگی دخترم
لزلی اسپرادو رو نجات داد.

بعدش لزلی و برد به
عمارتش



خب؟ مشکلتش
چیه؟

تا همین اواخر ، به نظر
میومد که دوشز اینکارو
از محض رضای خدا انجام
داده.

ولی حقیقت اینه که، اون
دخترمو از قصد دزدید.

اون دختر جوون و مریضمو
گرفت و باهاش منو تهدید
کرد.

NOISY

SURPRISED

ص-صبر کن
پیپنم، چی؟!

ینی مردم واقعا گول
همچین دروغ مسخره ای و
میخورن؟

دخترم از همون وقتی که به دنیا
اومد ، مریض و نحیف بود، برای
همینم هیچ وقت از عمارتمون
بیرون نرفته بود.

دوشز سالواتور
دخترمو دزدید.

تهدیدم کرد که اگه بهش رازی
که پشت قدرت تاریکی
خانوادمون هست و نگم اونو
میکشه.

ازش خواستم فقط دخترمو بهم
برگردونه و منو به جاش به عنوان
گروگان نگه داره، بهش التماس کردم،
گریه کردم، ولی هیچوقت به حرفم
گوش نداد.

به جاش، موهای دخترمو
برید و با یه نامه برام فرستاد،
اینهاش! این نامه ایه که فرستاده!



تورو خدا، باید ببینیدش! به این
نامه ی وحشتناک که روش
مهر خاندان سالواتور خورده
یه نگاهی بندازید!

اوه اینچارو! خیلی بهش
شیپیه.



صب کن بینم، اگه
میخواستیم با این نامه ازش
اخاذی کنیم بهتر نبود به جاش
سرشو میفرستادیم؟

چرا موهاشو فرستادیم؟



البته، چون مهر و دست خطو میشه
خیلی راحت جعل کرد من با خودم یه
مقایسه گر اوردم تا-

بسه..

نامه، مهر و مقایسه گر و خیلی
راحت میشه عوض کرد.



بهم یه مدرک معتبر و محکم
به جای این چیزای مسخره و
بچه گانه بده مارکیز.



منو ببخشید.

بهتون شواهد دیگه ای رو
ارائه میکنم.

قبلش، بهتون گفته بودم که
دخترم تو آتیش گیر افتاده
بود.



بعد ازینکه دوشز شروع
کرد به اخاذی کردن از
من ، مونده بودم که -



واقعا اتیش تصادفی بوده؟ یا نکنه
کسی از قصد اونو راه انداخته بوده؟

بعدش فهمیدم که هیچ تصادفی
در کار نبوده! کسی که اتیشو راه
انداخته دوشز سالواتور بوده!

RAISE

لطفا بزارید شاهد وارد بشه!



انگار... لوگان چند روز پیش
برگشته خونه... برا همینم
نمیدونم کی تو این حادثه
کوتاهی کرده.



.. که اینطور.

انگار ریشه های چاکاراندا
ازون چیزی که فکر میکردم
عمیقتر رفتن.



و من از قضیه پی
خبر موئده بودم
کلا..

من سی ساله که... تو عمارت
سالواتور کار میکنم..

ولی تازگیا، استعفا دادم،
چون...

چ-چون... د-دوشزیه دستور
ظالمانه بهم داده بود و ...اگه
باش مخالفت میکردم...



دوشز گفتش ک-که یه
چیزی هست که باید ارزش
مطمئن بشه.

پ-پس به منو چنتا خدمتکار
دیگه گفتش که وقتی درشکه
برای ی-یه لحظه وایساد رو
درشکه ی مارکیز روغن
بریزیم.



حس خوبی نداشتم، پس
به-بهش گفتم که همچین کاری
نمیکنم ...و بعدش بهم گفتن که
باید هرچه زودتر استعفا بدم...

بعدش یه شایعه ای شنیدم
که درشکه آتیش گرفته و
بچه ای که توش بوده رو
نجات دادن و سالمه.

اون ب-بچه همون
کوچولویی که ا-اونجاس،
دوشیزه لزلی...



م-من نگرانم بودم ، پس از
یه خدمتکار خواستم یه چکی
بکنه ببینه در چه حالیه..

و او-اون بهم گفتش که
لرد....لرد روئنتی کتکش زده و
ازم خواست کمکش کنم...

TURN

ها؟

پ-پس بازم خواستم که
بهبش زنگ بزنم...ولی
هیچوقت جوابمو نداد.

یکم بعدش...ب-بهم
گفتن چه بلایی سرش
اومده...

NOISY

ا-اسمش پارلون بود،
پارلون آنتن..

whisper

whisper

کشیشی که تو مراسم
تشییع چنازه ی پارلون بود
ب-بهم گفتش که...

گفتش که...ی-یه دندون تو
د-دهن پارلون باقی نمونده بود..

حتما شکنجش
داده...

خدای من...عجب
هیولایی!



ها.اون زن..داره از همه ی
مهره هاش استفاده میکنه،
حتی اونایی که مردن..

همونطور که
همتونم خبردارید.

روئنتی ادال سالواتوریه
جادوگر معروفه!



اون با دختر عزیزم چیکار
کرده؟!چجوری عمارت اون
هیولارو به خونه ی خودش
ترجیح میده?!



تو اونی هستی
که داره دروغ میگو
مارکیز اسپرادو!

تو کل زندگیم، کتکم میزدی،
گشنه نگهم میداشتی،
تو اتاق زیرشیروونی
زندانیم کرده بودی و بهم
قربانی بی مصرف میگفتی!



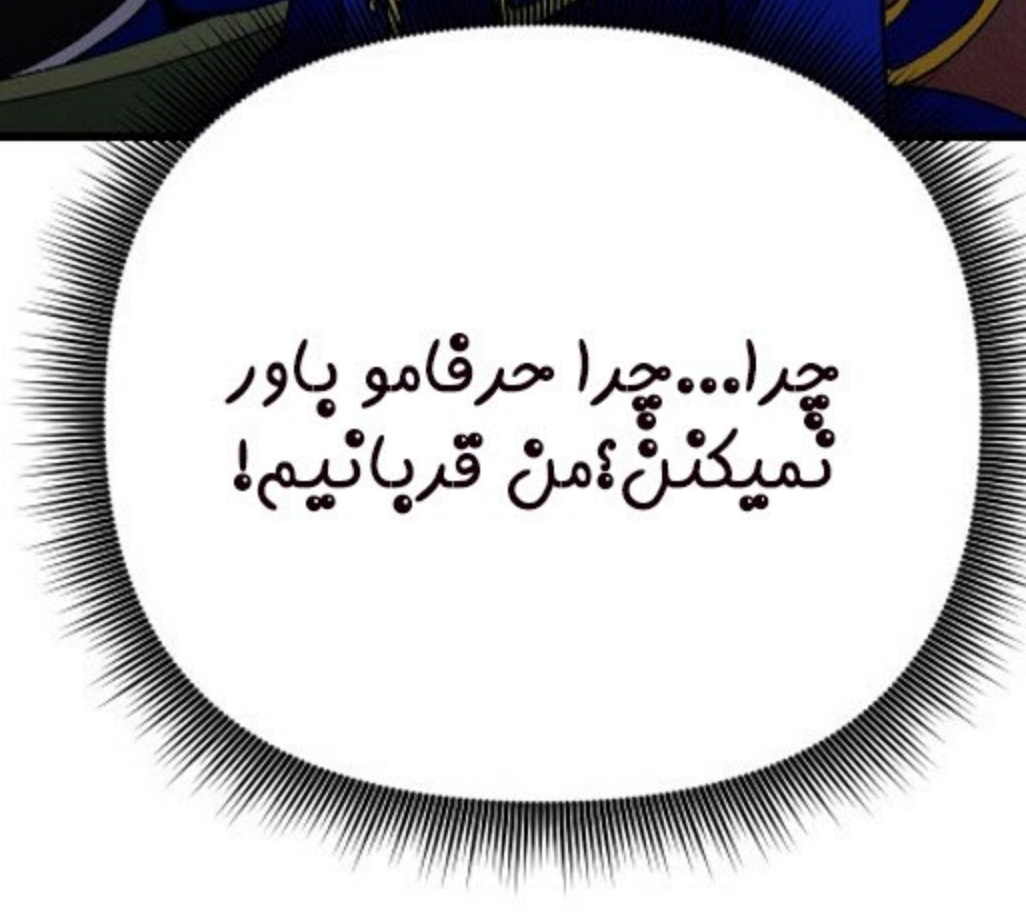
لختی بهم اسم
مقدسم ندادی!

هیچوقت منو به اسم
صدا نزدی، اونوقت
الان میگی دختر عزیزم؟!
همه ی حرفات دروغه!

خدای من.. چقدر
رقت انگیز..



معلوم نیست چقدر
جادو روش پیاده
کرده.





فقط به این نگاه کنید!

flash

اووو... چه جواهر
نور افکن..



نمیدونین چقدر قلبم شکست
وقتی که شنیدم دخترم، کسی
که داره اینجا اینقدر شاد و
خوشحال داره بازی میکنه به
جای پدر بهم گفتش مارکیز
اسپرادو.



whisper

خب، مارکیز اسپرادو
چرا این بچه اسم
مقدس نداره؟



وقتی دختر بزرگمون و
زایید ، یعنی الی رو، همسرم
سقط جنین داشت...



اسم مقدس خیلی برای
زنم مهم بود ولی
بعدازون، افسرده شد.

ولی یه مدت بعدش،
خبرای خیلی خوبی و
بهمون دادن، ولی لزلی
مریض بود.

whisper

whisper

ال-الان باید
چیکار کنم..؟

چچوری میتونه
جلوی این ادما
همچین حرفایی
بزنه؟



دروغ، دروغ، دروغ، تو
زایمان اولم تقریبا
مردم، برا همینم
نمیخواستم بچه ی دومی
داشته باشم.

ولی خوب دوسال تمام
التماسم کرد تا بچه ی
دوم به دنیا بیارم! اونوقت
چرنت میکنه بگه من سقط
چنین داشتم؟

برای همینم، همسرم ازم
خواستش که هر وقت بچه
مون خوب شد براش اسم
مقدس بگیریم.



GLANCE



مگه نه، عزیزم؟



د-درسته...چون من سقط
جنین داشتم...

م-من ترسیده بودم...
براهمینم فکر کردم بهتره
بعدا بهش اسم مقدسشو
بدیم.

NOISY



مارکیز اسپرادو.

میتونی مسئولیت هر حرفی
که تا الان زدی و به عهده
بگیری؟

هه! من به خدا قسم
خوردم و اسمو اعتبارمو
گذاشتم وسط،

اونوقت جرات میکنی بهم
تهمت دروغ گفتن
بزنی؟! احمقانس!



تو پسر سالواتور - نه پسر هیولایی
که دخترم و طلسم کرد، جرات
میکنی بهم تهمت بزنی!؟

مارکیز اسپرادو.

چیزای خیلی خطرناکی
گفتی.

اگه حرفایی که زدی واقعا
راست باشه، اونوقت یعنی داری
ادعا میکنی عمارت جادوگرایه
جادوگر متقلب و قبول کرده.

امپراطور
درست میگه.

من کاملاً مطمئنم!

اگه هر کدوم از حرفام
دروغ باشه، اونوقت تنبیهمو
قبول میکنم!

لطفا برای اینکه بی گناهیمو
ثابت کنم، بزارید یه معاینه رو
بدن دخترم انجام بدم.

هومم...ینی میخوای با یه
جادوگر ثابتش کنی؟

نه، جرات همچین کاریو
ندارم، کل عمارت تحت
نظره روئنتی ادال
سالواتوره.

احتمالا همین الانشم داره
همه چیو کنترل میکنه.

پی؟!

نکنه واقعا میخواد
کل عمارتو تو نقشش
استفاده کنه؟

ینی انقد احمقه؟!



یاشایدم...یه
نقشه ی دیگه ای
داره...؟



در حالت عادی
قدرت الهی و جادو
همدیگرو پس میزنن..

پس کشیش اعظم دیان،
حقیقتو معلوم میکنه.

STEP

STEP

یه کشیش اعظم..؟

یه کشیش اعظم..

ولی خیلی
جوونه که..

من دیان هستم، بنده ی پست و
خوار پروردگار صاحب اسمان و
زمین.

بله، بله، حالا که خودتونو معرفی
کردین، بیاین بریم سراغ
کارمون، بنده فروتن پروردگار.

حتما، کیو قراره چک کنم؟

این بچرو، خانوم کشیش.



۱۰۰ درصد مطمئنم
مارکیز به نقشه ای
داره.

من-من نمیخوام
اینکارو کنم.

هیس... چیزی نمیشه.



پس، خواهر عزیز لطفا منو
ببخشید.

Now





CRACKLE

آه آه آه!!



!



لزلی!

اوه، خدای من! انگار حجم
زیادی از یه جادوی خیلی
قوی تو بدنشه!

میتروسم دلیل دیگه ای برای
این رفتارش وجود نداشته
باشه.

chatter

chatter

دیدین؟ دوشز، میخوام دقیقا بدونم
با دخترم چیکار کردی؟!

همتون نگاه کنید! میزارم به
پای قضاوت خودتون!

لطفا، سرورم، دوشز سالواتو،
اون هیولا...

مارکیز اسپرادو.

ما هنوز داستانو از زبون دوشز
سالواتور نشنیدیم.

و یه امپراطور باید به اصول اخلاقی
وفادار باشه و تا وقتی که ثابت نشده
فرد بی گناهی گناهکار اونو مقصر ندونه،
پس اگه من جای تو بودم تا وقتی که
حکم دادگاه قطعی نشده مواظب حرفام
میبودم.



بنا به حکم عالیجناب،
دادگاه یه استراحت کوتاه داره.

دوشیزه لزلی اسپرادو، کسی که این
دادگاه داره بخاطرش برگزار میشه،
بخاطر اتفاقات اخیر باید تو خلوت
استراحت کنه.



اِه، خیلی درد داره---

ج-چرا...؟



اره، دقيقا
همينجورى، رقت
انگيز...



THUD



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/IriSekai/



IriSekai191008@gmail.com